

تحلیل زبان‌شناختی و امکان تحلیل شخصیت سیاستمداران:

مطالعه دونالد ترامپ

علی اشرف نظری^۱ امیر ملائی مظفری^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱/۲۶ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۴/۲۳

چکیده

تحلیل شخصیت‌های سیاسی و درک محیطی که در آن به قدرت رسیده‌اند، یکی از محورهای اصلی تحلیل‌های حوزه زبان‌شناسی سیاسی است. اهمیت این بحث در رابطه با مطالعه شخصیت‌های پوپولیست در این است که قدرت‌یابی پوپولیسم ملی‌گرا به دلیل داشتن پیشینه‌ای خشونت‌بار، می‌تواند ترسی غیر ارادی را در ما زنده کند. ترسی که با پیروزی دونالد جان ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا، سر بر آورد و یادآور خاطرات نسل فراموش شده رهبرانی شد که با سخنرانی‌های آتشین و شعارهای پوپولیستی، طبقات مختلف اجتماعی را برای تسخیر دنیا تهییج کردند. حال با گذر شخصیت ترامپ از دوران نامزدی به دوران تصدی پست ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، می‌توانیم از ثبات برخی از تکنیک‌های سخنرانی وی درکی روشن‌مند پیدا کنیم و بیش از گذشته بتوانیم آن را تحلیل کنیم. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان رفتار ترامپ را از طریق منطق زبان‌شناختی - بلاغی و تکنیک‌های مندرج در آن درک، تحلیل و پیش‌بینی کرد؟ صرف‌نظر از میزان موفقیت ترامپ در رسیدن به اهدافش، او چندین تکنیک و تاکتیک خاص را برای القای مفاهیم موردنظرش به کار می‌گیرد که منحصر به زمان رای جمع کردن وی نیست. بدین منظور، ده‌ها سخنرانی و مقاله برای پیدا کردن ظرافت‌های هدفمند در کلام ترامپ، این فروشنده‌ی قهار واژه‌ها، بررسی شده است. هدف اصلی مقاله حاضر ارائه تحلیلی زبان‌شناختی از ادبیات و محتوای سخنان ترامپ و فهم‌پذیر کردن برخی از ویژگی‌های شخصیتی او است.

واژگان کلیدی: دونالد ترامپ، پوپولیسم، شخصیت، زبان‌شناسی، ملی‌گرایی

۱۰۷

سیاست جهانی

چهاراول و نمودارها با توجه به فضا و حاشیه صفحات طراحی شده باشند از حاشیه بیرون نزنند.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

نویسنده مسئول، ایمیل: aashraf@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

شخصیت دونالد ترامپ با آن عناصر کاریزماتیک قوی و گفتار پوپولیستی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در انتخاب وی به‌عنوان نامزد ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا داشته است. موفقیت و کارآمدی این عناصر برای ترامپ آنقدر بود که هیچ‌گاه نیاز چندانی به پشتیبانی و همراهی اعضای برجسته حزب جمهوری خواه از خود بروز نداد و حتی هشت ماه از روز اعلام نامزدی وی گذشت تا اولین سناتور آمریکایی در فوریه ۲۰۱۶ مجاب به اعلام حمایت رسمی از ترامپ گردید. علاوه بر عوامل شخصیتی، تأکید بر مؤلفه‌هایی نظیر فاسد و ضعیف معرفی کردن مقامات فعلی در هنگامه مبارزات انتخاباتی، محوریت دادن به مردم و ادراکات و هیجانات آنها، ایجاد بدبینی به احزاب سیاسی در قالب چپ و راست، متهم کردن رسانه‌ها به جانبداری از حزب حاکم، اعتقاد به تئوری توطئه، انتقاد تندروانه از نخبگان سیاسی حاکم و دروغ‌گو و فاسد خطاب کردن آنها یا همان شکل دادن دوگانه «ما در برابر دیگران»، استفاده از زبان ساده و عوامانه همراه با لفاظی سیاسی، القای بحران و فاجعه‌بار جلوه دادن وضع موجود-که وضعیتی طبیعی است- با ارائه لیستی از بحران‌های ساختگی و بالاخره فقدان برنامه‌ای دقیق، همه از عناصر پوپولیسم است.

فن رتوریک یا بلاغت، می‌تواند از زبان‌شناسی، روانشناسی شخصیت و روانشناسی توده بهره‌گیرد. ترامپ ثابت کرده است که این فن حتی نیاز به دانش وسیع زبان‌شناختی، هم ندارد اما دل توده‌ها را می‌برد و هیچ‌کدام از نامزدهای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا به اندازه‌ی «دونالد ترامپ»، چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا، از بلاغت و سخنوری خود سود نبرده‌اند. حتی خود او نیز در اولین مصاحبه مطبوعاتی‌اش در شانزدهم فوریه ۲۰۱۷ به این موضوع اذعان کرد که «... من با مصاحبه‌های مطبوعاتی و احتمالاً سخنرانی‌های خود پیروز شدم». چرا که ترامپ دانش، تجربه و مقبولیت سیاسی نداشت، ولی پوپولیستی با تجربه بود و سایر نقص‌های خود را با استخدام سیاسیونی صاحب‌نظر-که حاضر بودند آینده سیاسی خود را فدا کنند و تا سطح او پایین بیایند- برطرف کرد.

با این حال، فنون بلاغی مورد استفاده‌ی ترامپ نامزد ریاست جمهوری با ترامپ رئیس‌جمهور تفاوت‌های بزرگ و مهمی دارد که احتمالاً به دلیل فروکش کردن هیجان انتخاباتی و کمبود اطلاعات درباره‌ی شخصیت ترامپ، کمتر موضوع تحقیق و بررسی قرار گرفته است. بنابراین نقطه شروع تحلیل حاضر، بررسی سخنرانی مراسم تحلیف ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ و آشکار شدن تغییرات زبانی در سخنرانی‌های او است. چرا که اولاً ترامپ این بار باید از روی متن از پیش نوشته شده‌ای می‌خواند و ثانیاً، دیگر هیچ رقیبی برای مناظره و تخریب نبوده و او به هدفش، یعنی ریاست جمهوری رسیده بود. پس شرایط ایجاب می‌کرد تا در برخی تکنیک‌های بلاغی پیشین خود تجدید نظر کرده و مانند تمام رؤسای جمهور پیشین، سعی در ایجاد وحدت در ملتی به شدت دو قطبی کند. با این حال ادامه یافتن تاکیدهای ترامپ بر فضای وهم‌آلود کشور - که احتمالاً به قصد جلب حمایت بی‌چون و چرای مردم بیمناک و توده‌های هیجانی و گاه متعصب آمریکا در پی ماه‌ها تبلیغ انتخاباتی برای نشان دادن ترامپ به عنوان تنها راه‌حل بوده است - و تمایزات زبانی مهمی که می‌توان بین سخنرانی او و برای مثال، سخنرانی مراسم تحلیف باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ دید، بر آن هستیم تا از منظر زبان‌شناسی و معنانشناسی، متن سخنرانی وی را جزء به جزء بررسی کنیم تا رموز اثرگذاری بلاغی - زبان‌شناختی او درک شود.

آبراهام لینکلن - رئیس‌جمهور ایالات متحده در سال ۱۸۶۳ عبارتی را به کار برد که تا به امروز از سوی پوپولیست‌ها بارها مورد سوءاستفاده قرار گرفته است: «حکومت مردم، از طریق مردم، برای مردم». از این رو، برخی از نویسندگان همواره بر ارتباط نزدیک دموکراسی و پوپولیسم تأکید داشته‌اند، چرا که هر دوی این مفاهیم ریشه‌های خود را در مردم جستجو می‌کنند و هر دو برتری مردم را مورد توجه قرار می‌دهند. پوپولیسم یک ایدئولوژی است که جامعه را متشکل از دو گروه همگون و واحد و در حال تخصص می‌داند؛ آن هم مردم پاک و بی‌غل و غش در برابر نخبگان فاسد؛ سیاست از دید آن‌ها، بایستی بیان‌کننده اراده عمومی مردم باشد. بنابراین، پوپولیسم با نقد و واسازی بازی‌های سیاسی در قالب دو الگوی راست و چپ، بر مبنای مرزبندی میان مردم و دشمنانشان صورت‌بندی می‌شود. بازگشت پوپولیسم به صحنه‌ی سیاسی کشورهای اروپای غربی و

ایالات متحده - که از آن به نئوپوپولیسم تعبیر می‌شود - ریشه در شکست احزاب سنتی برای دادن پاسخ کافی و مناسب به مسائلی چون جهانی شدن اقتصاد، هویت و فرهنگ، سرعت و مسیر ادغام یا جدایی طلبی در اتحادیه اروپا، مسئله مهاجرت و حضور گسترده مهاجران، افول اهمیت ایدئولوژی‌ها و سیاست طبقاتی، کاهش علاقه مردم به مشارکت سیاسی و بدبینی و عدم اعتماد شهروندان به سیاستمداران دارد.

صرف نظر از مراسم تحلیف، به دلیل اهمیت روزافزون درک پیچیدگی‌های خاص سخنرانی‌های پوپولیستی در صحنه سیاست داخلی سعی خواهیم داشت تا تعدادی از سخنرانی‌های مهم صد روز اول دور نخست ریاست جمهوری ترامپ را نیز به منظور یافتن نکاتی تحلیلی، بررسی کرده و راز پیروزی انتخاباتی او را دریابیم. همچنین می‌خواهیم بفهمیم که ترامپ کیست و چه چیزی در ذهن و زبان خود می‌پروراند؟ ظرفیت‌های شناختی او چگونه است؟ چگونه می‌توان رفتار او را از طریق منطق زبان‌شناختی - تحلیلی و تکنیک‌های مندرج در آن درک، تحلیل و پیش‌بینی کرد؟

۱. ابعاد زبان‌شناختی مراسم تحلیف

از نقطه نظر زبان‌شناختی، ویلیام هنری هریسون طولانی‌ترین سخنرانی در تاریخ مراسم تحلیف رؤسای جمهور آمریکا را در سال ۱۸۴۱ با قرائت متنی به طول ۸۴۴۵ کلمه انجام داد. سخنرانی جان آدامز در سال ۱۷۹۷ نیز با داشتن جمله‌ای به طول ۷۳۷ کلمه از لحاظ دیگری رکورددار بود. اما کوتاه‌ترین سخنرانی متعلق به جورج واشینگتن در سال ۱۷۹۳ بود که تنها ۱۳۵ کلمه داشت. با این حال، سخنرانی تحلیف دونالد ترامپ به مدت ۱۶ دقیقه، کوتاه‌ترین سخنرانی از زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر در سال ۱۹۷۷ تاکنون بود.

بیشتر رؤسای جمهور از سخنرانی مراسم تحلیف برای رونمایی از چشم‌اندازها و برنامه‌های خود برای کشور استفاده می‌کنند. برخی از شیواترین و تاثیرگذارترین سخنرانی‌های تاریخ بشر در این مراسم قرائت شده‌اند. برای مثال فرانکلین روزولت در سال ۱۹۳۳ در اوج «رکود بزرگ» گفت: «ما چیزی برای ترسیدن نداریم، مگر خود ترس». همچنین در سال ۱۹۶۱ جان اف. کندی آن جمله‌ی معروف خود را بر زبان راند

که «... پس یاران آمریکایی من، نپرسید که کشور چه کاری می‌تواند برای شما انجام دهد؛ [بلکه از خود] بپرسید که من چه کاری برای کشورم می‌توانم انجام دهم».

ترامپ در هفته‌های پیش از مراسم تحلیف یادآور شد که متن سخنرانی تحلیف را خودش نوشته و حتی از سخنرانی‌های جان اف. کندی و رونالد ریگان هم الهام گرفته است. با این حال، روزنامه‌هایی مثل وال استریت ژورنال در گزارش‌های خود آوردند که مشاوران ارشد ترامپ مثل استیون بنن و استیفن میلر مسئولیت خطیر نوشتن متن سخنرانی را برعهده داشتند.

۲. موقعیت سخنران

اگر بخواهیم رئیس جمهور کنونی ایالات متحده آمریکا را بهتر بشناسیم تا با ذهنی خالی به سراغ متن سخنرانی او نرویم، باید بگوییم که ترامپ شخصیتی است مغرور که نمی‌خواهد دستاوردهایش کوچک جلوه کنند یا چهره‌اش خدشه‌دار گردد. برای نمونه وی حتی بر سر تعداد شرکت‌کنندگان مراسم تحلیف وارد جنگ از پیش‌باخته‌ای با رسانه‌ها شد. ترامپ سابقه توهین و تهمت به اقشار مختلف جامعه، رقبا و رئیس جمهور قبلی را دارد و با گذشت چند ماه از شروع ریاست جمهوری، هنوز هم این عادت خود را کنار نگذاشته تا نشان دهد که هیچ حقه‌ی تبلیغاتی خاصی در کار نبوده است. همچنین حائز اهمیت است که بدانیم ترامپ هیچ‌گاه شغل دولتی یا اجرایی نداشته و اکثر عمر خود را به تجارت گذرانده و همانند فروشنده‌ای فکر می‌کند که باید همیشه خود را بهتر از رقبا نشان بدهد. یک فروشنده‌ی خوب می‌تواند محصولی را به شما بفروشد، بدون آنکه چیزی درباره‌ی آن محصول بداند. بنابراین، ابزار چنین فردی فقط و فقط زبان اوست که بعدها مفصل‌تر به آن اشاره می‌کنیم.

نکته‌ای که درباره‌ی ترامپ سیاستمدار باید در نظر داشت، این است که او در محیط سیاسی خاصی وارد شده است که دروغ گفتن به‌خصوص سوگند دروغ-را گناهی نابخشودنی و شرط کافی برای عزل می‌دانند. در نتیجه، سیاستمداران از تکنیک‌های خاصی استفاده می‌کنند تا سخن کاملاً دروغی بر زبان نرانند (Leith, 2017). برخلاف اکثر سیاستمداران آمریکایی، ترامپ هر جا که سوگندی هم یاد نکرده باشد، به راحتی دروغ می‌گوید و به طفره رفتن از پاسخ دادن روی نمی‌آورد. ترامپ آن‌قدر بی‌قاعد

رفتار کرده است که هروقت از روی متنی از پیش نوشته سخنرانی می‌کند، از سوی رسانه‌ها «مانند یک رئیس جمهور» معرفی می‌شود، در حالی که تا پیش از این هیچ‌گاه از رؤسای جمهور آمریکا انتظار نمی‌رفت که ادب را رعایت نکنند. ترامپ اصلاً مثل رؤسای جمهور سابق آمریکا نیست و برعکس آنچه که عموماً فکر می‌کنند، همین نقطه‌ی قوت اوست و خود بارها به آن اذعان کرده است. تنها یک دونالد ترامپ برای مردم آمریکا وجود دارد ولی بی‌اندازه سیاستمدار پرحرف، دروغگو و بی‌عمل پیدا می‌شود. در مقابل، شاید ترامپ مبهم‌گو و بی‌اعتنا به اصول پذیرفته‌شده باشد اما سخنش را مستقیم و بدون پنهان شدن پشت کلمات بیان می‌کند: «من هیچ‌وقت از جنگ عراق پشتیبانی نکردم»، از جملات قاطع و معروف اوست اما در واقعیت، او کاملاً از آن جنگ پشتیبانی کرده بود.

البته همیشه هم ترامپ این‌گونه قاطع نبوده است ولی حتی آنجایی هم که سیاستمداران مبهم حرف می‌زند، به این منظور است که چنانچه بعدها سخنانش نتیجه معکوس داد، با قاطعیت حرف‌های خود را رد کند. ترامپ در سال ۲۰۱۱ مدعی شد که «بسیاری از مردم شک دارند که او‌یاما در مورد محل تولدش دروغ گفته باشد ... [من حدس می‌زنم که] چیزی وجود دارد که می‌خواهد آن را پنهان کند». ولی در طول کمپین انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۶ توانست این ادعا را کاملاً رد کند و با قاطعیت بگوید «او‌یاما در آمریکا به دنیا آمده است ... هیلاری کلینتون آن جنجال را به‌وجود آورد و من پایانش دادم». اگر حالا نیز او را با این حقیقت روبه‌رو کنید، قاطعانه برای شما توجیهی می‌آورد یا کاملاً منکر آن می‌شود. ترامپ می‌داند که بیش از نیمی از مردم آمریکا رئیس‌جمهوری قاطع و مسلط می‌خواهند، نه رئیس‌جمهوری که به فکر راضی نگه‌داشتن همه باشد و همچون هیلاری کلینتون - که خود بزرگ‌شده‌ی ایالات شمالی است - هنگام سخنرانی در ایالت‌هایی مثل کارولینای جنوبی حتی لهجه‌ی خاص جنوبی به خود بگیرد.

۳. حضار و شرایط مراسم تحلیف

مراسم تحلیف رئیس‌جمهور جدید اصولاً مراسمی سیاسی است و از قواعد، تشریفات و نتایج خاص خود بهره می‌برد. در مورد مراسم تحلیف دونالد ترامپ نیز می‌توان گفت که آمریکا به‌دنبال پیروزی وی با آرای الکتورال عملاً به دو نیمه تقسیم شد. بنابراین

جای تعجب نداشت که راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز زیادی از زمان اعلام نتایج صورت گرفت که حتی دامنه‌ی آن‌ها به مراسم تحلیف دونالد ترامپ نیز کشیده شد.
(Inauguration of Donald Trump, n.d.)

۴. موضوع سخنرانی

محورهای اصلی سخنرانی ترامپ را می‌توان به ترتیب این گونه بیان کرد:

۱. قدرت، کشور و پیروزی در انتخابات متعلق به همه‌ی مردم آمریکا است، نه یک حزب یا یک نفر.
 ۲. یک «قتل‌عام» اقتصادی، آموزشی و امنیتی در آمریکا در جریان است.
 ۳. آمریکا به مسائل نظامی و اقتصادی دیگر کشورها بیشتر از کشور خود پرداخته است. از امروز، تنها سیاست ما «اول آمریکا» خواهد بود و الگویی برای سایر کشورها می‌شویم تا آن‌ها هم منافع خود را دنبال کنند.
 ۴. باید مرزهای خود را از غارت کشورهای دیگر محافظت کنیم.
 ۵. همواره باید میهن‌پرست و وحدت‌جو باشیم.
 ۶. آمریکا را دوباره در کنار یکدیگر باشکوه خواهیم کرد.
- ۴-۱. چه تضمین‌ها، تصدیق‌ها، توصیف‌ها و تکذیب‌هایی ذکر شد؟
۱. از فقر مادران و کودکانشان، کارخانه‌های زنگار گرفته، سیستم آموزشی لبریز از فساد و بالاخره از جنایت‌ها و مواد مخدری گفته شد که «زندگی افراد زیادی را از آن‌ها و کشور را از پتانسیل‌های محقق‌نشده‌ی این افراد ربوده است».
 ۲. «تریلیون تریلیون دلار در خارج از آمریکا خرج کرده‌ایم در حالی که زیرساخت‌های آمریکا به پوسیدگی افتاده‌اند».
 ۳. «مشاغل، مرزها، ثروت‌ها و رویاهایمان را برخواهم گرداند. از دو قانون ساده تبعیت خواهیم کرد: آمریکایی بخرید و آمریکایی استخدام کنید».
 ۴. «تروریسم افراطی اسلامی را ... از صحنه جهان محو خواهیم کرد».

۵. سبک‌های سه‌گانه‌ی متقاعدسازی

بسیار حائز اهمیت است که تشخیص دهیم هر سخنران به کدام یک از سبک‌های متقاعدسازی متوسل شده است. در زبان یونانی سه سبک یا ابزار اِتوس، پاتوس و لوگوس از قدیم‌الایام مشخص شده‌اند که می‌توان سخنرانی تحلیف را بر اساس این سه سبک بازخوانی کرد. اِتوس به معنای پرداختن به اخلاق است و به‌طور کلی روشی برای متقاعد کردن فرد مقابل با استفاده از شخصیت و اعتبار متقاعد کننده به شمار می‌آید. پاتوس نیز به معنای پرداختن به احساسات می‌باشد و به‌طور کلی به روشی اطلاق می‌گردد که برای متقاعد کردن فردی به تلاش برای ساختن واکنشی احساسی توسط جسته می‌شود. و سرانجام لوگوس نیز به معنای پرداختن به منطق و به‌طور کلی روشی است برای متقاعد کردن شخصی با استفاده از دلیل.

به نظر می‌رسد که دونالد ترامپ نیز همانند هر رئیس جمهور دیگری سعی داشت تا از اعتبار و سابقه خود در سخنرانی مراسم تحلیف استفاده کند تا مخاطبانش را متقاعد سازد که شایسته‌ترین فرد برای تغییر شرایط است. منتها از آنجا که سابقه او بیشتر در زمینه کسب و کار بوده است، دور از ذهن نبود که تمرکز روی مسائل اقتصادی از محورهای اصلی سخنرانی وی باشد. از این رو می‌توانیم بگوییم که ترامپ تا حد زیادی از اِتوس - یعنی متقاعد کردن طرف مقابل با استفاده از شخصیت و اعتبار خود در حوزه اقتصادی - بهره گرفت.

با این حال، نمی‌توانیم تمام سخنرانی او را پرداختن به اِتوس ببینیم. زیرا استدلال‌های او بعضاً کاملاً احساسی و بی‌ارتباط به شخص خود مطرح شدند. بارزترین مثال پرداختن به پاتوس و احساسات را می‌توان در پاراگرافی دید که اوضاع آمریکا را به یک «قتل‌عام آمریکایی» تشبیه می‌کند که می‌بایست «همان‌جا و همان لحظه» متوقف شود. در این سخنرانی، لوگوس کمترین سهم را در میان سبک‌های سه‌گانه داشت. شاید تنها مثال بارز متوسل شدن به دلیل و منطق را بتوان در جمله‌ی «هر کشوری به این دلیل به وجود آمده است تا به شهروندانش خدمت کند» دید که در تلاش بود تا ضعف دولت اوباما را در خدمت‌رسانی و نقشش را در ساختن «قتل‌عام آمریکایی» برجسته کند. او در این رابطه گفت: «هر کشوری به این دلیل به وجود آمده است تا به شهروندانش خدمت کند.

آمریکایی‌ها مدارس عالی برای کودکانشان، محله‌های امن برای خانواده‌هایشان و مشاغل خوب برای خودشان می‌خواهند. این‌ها درخواست‌های عادلانه و منطقی مردمی درستکار و جامعه‌ای درستکار است.»

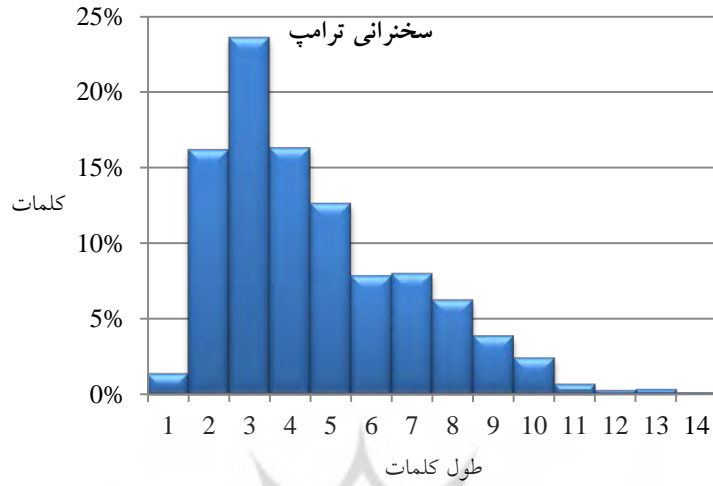
۶. انتخاب کلمات

در سخنرانی تحلیف، هیچ کلمه غیررسمی و دوستانه‌ای بر زبان ترامپ رانده نشد. البته اهمیت این سخنرانی ایجاب می‌کرد که چنین باشد اما شاید با توجه به سابقه ترامپ، آنچنان تعجب‌آور نمی‌بود اگر وی نسبت به رقبای خود یا اقلیت‌ها رو به زبان غیررسمی، شوخ‌طبعانه و یا تهدیدآمیز بیاورد. ترامپ در طول کمپین خود آن قدر انتظارات را پایین آورد که بارها شنیده شد که زبان این سخنرانی بسیار عادی تا چه حد «متناسب با شأن یک رئیس‌جمهور» بوده است. شاید ضرورت داشته باشد برای درک این مسئله، سخنرانی مراسم تحلیف اوپاما در سال ۲۰۰۹ (دور اول) را با سخنرانی مراسم تحلیف ترامپ در سال ۲۰۱۷ (دور اول) از نظر آماری مقایسه کنیم. (The Inaugural Addresses, n.d.)

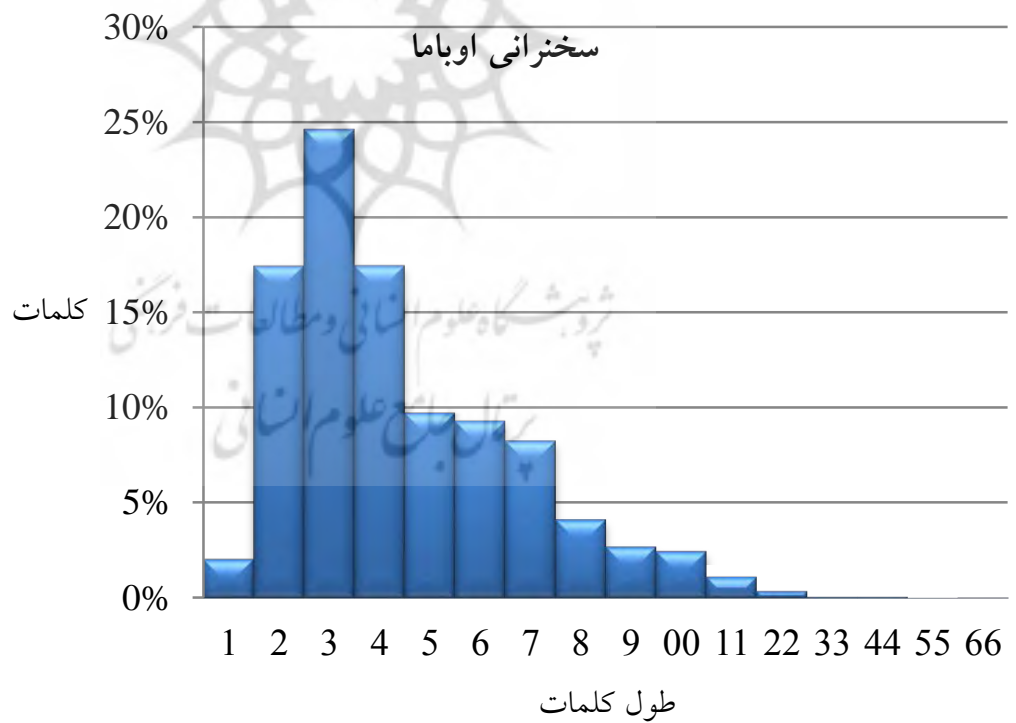
جدول شماره ۱. مقایسه تحلیلی سخنان تحلیف اوپاما و ترامپ

اوپاما	ترامپ	
۲۳۹۲	۱۴۴۰	تعداد کلمات
۱۱۵	۸۹	تعداد جملات
۲۲۶	۱۹۳	تعداد کلمات پیچیده (دارای ۳ سیلاب یا بیشتر)
اوپاما	ترامپ	
۴,۴۵	۴,۶۳	متوسط طول کلمات
۴	۴	میان‌ه‌ی طول کلمات
۲,۳۶	۲,۳۶	انحراف معیار طول کلمات

نمودار شماره ۱. تحلیل سخنان دونالد ترامپ



نمودار شماره ۲. تحلیل سخنان باراک اوباما



جدول شماره ۲. مقایسه طول جملات دو رئیس جمهور

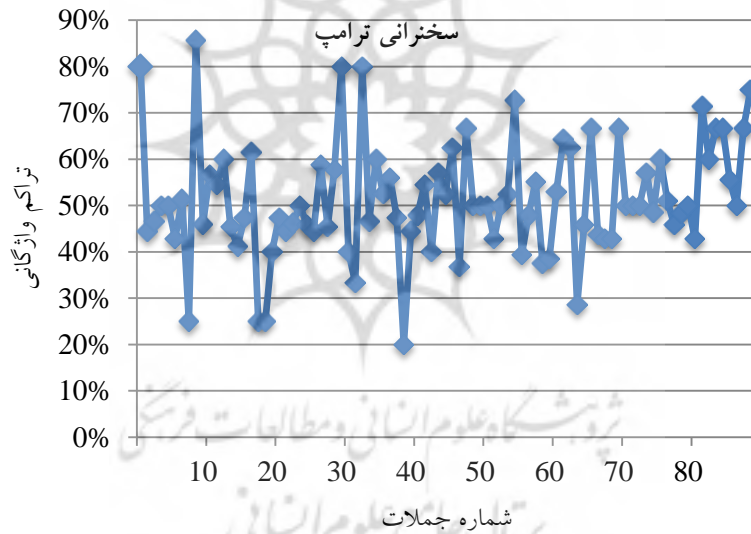
اوپاما	ترامپ	
۲۰	۱۶,۲۹	متوسط طول جملات
۱۸	۱۲	میانه‌ی طول جملات
۱۴,۴۹	۱۲,۱	انحراف معیار طول جملات

۱۱۷

سیاست جهانی

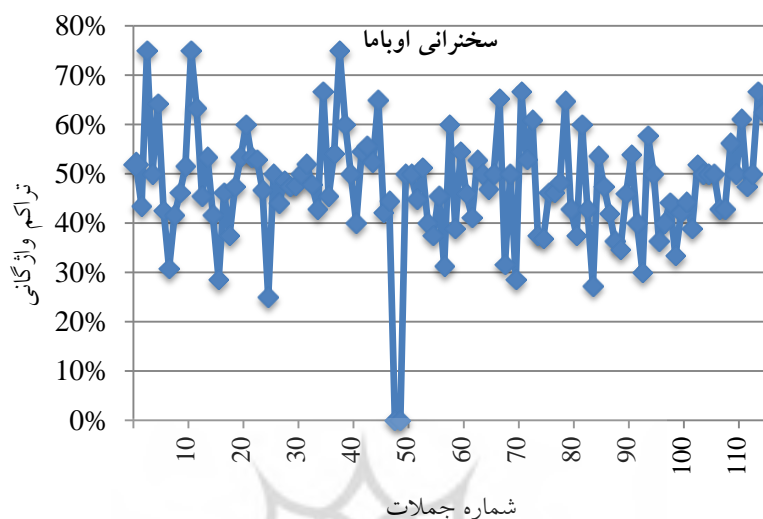
چداول و نمودارها با توجه به فضا و حاشیه صفحات طراحی شده باشند از حاشیه بیرون نزنند.

نمودار شماره ۳. تراکم واژگانی سخنان ترامپ



تراکم واژگانی در تمام متن: ۵۰,۷۶ درصد

نمودار شماره ۴. تراکم واژگانی سخنان اوباما



تراکم واژگانی در تمام متن: ۴۷,۹۱ درصد

علاوه بر این که تعداد جملات سخنرانی اوباما بیشتر و بیانگر پیچیدگی شناختی او بود، متن وی عموماً تغییرات چشمگیری در تراکم واژگانی نداشت و طول جملاتش بسیار نزدیک به هم بود. با این حال، در هر دو سخنرانی بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از هر جمله از واژگان غیردستوری تشکیل می‌شد. حتی می‌توان دید که سخنرانی ترامپ تعداد دفعات بیشتری از مرز تراکم واژگانی ۶۰ درصد عبور کرده و سخنرانی اوباما تعداد دفعات بیشتری از مرز تراکم واژگانی ۴۰ درصد پایین‌تر آمده است.

جدول شماره ۳. درصد استفاده از ادات سخن

اسم	اوباما	ترامپ
اسم	٪۲۶,۴۷	٪۲۷,۶۴
صفت	٪۶,۹۴	٪۶,۸۸
فعل	٪۱۱,۵۴	٪۱۰,۶۳
قید	٪۴,۷۷	٪۵,۶۳
حرف اضافه	٪۱۲,۷۹	٪۱۱,۲۵
ضمیر	٪۶,۹۸	٪۵,۶۹
افعال کمکی	٪۵,۳۵	٪۵

۷. تحلیل متن سخنرانی

۷-۱. ابتدای متن سخنرانی

بر اساس «اثر تقدم و تاخر»، کلمات، حرکات و تصاویری که در اول و آخر هر سخنرانی ادا می‌شوند، بهتر در ذهن شنونده نقش می‌بندند و بنابراین در سنجش موفقیت سخنگو اثرگذار هستند. ترامپ در جمله‌ی اول سخنرانی تحلیف خود از پنج شخصیت برجسته‌ی حاضر در مراسم نام برده و همچنین از هموطنان آمریکایی خود و به‌دلایل نامعلومی، از «مردم دنیا» (!) تشکر کرد. سپس در جمله‌ای نسبتاً ساده از این که شهروندان آمریکایی امروز با هم متحد شده‌اند تا کشورشان را دوباره بسازند، صحبت کرد؛ هرچند که چند صد متر آن طرف‌تر، پلیس به‌طور همزمان مشغول مهار کردن جمعیت زیادی بود که علیه ترامپ تظاهراتی را سامان داده بودند. گزارش‌ها حاکی از آن است که اکثر آن راهپیمایی‌ها، چه در موافقت و چه در مخالفت با ترامپ، به نحوی صلح‌آمیز برگزار شدند، به استثنای یک مورد که گروهی از آنارشیست‌های سیاه‌پوش به خرابکاری و شورش‌های پراکنده پرداختند.

لحن خودپسندانه و به‌دور از تواضع ترامپ در همان دقیقه‌ی اول بار دیگر آشکار می‌شود. وی به‌راحتی می‌توانست با اضافه کردن چندین قید یا صفت، از دلالت‌های اغویستی جمله‌ی ساده‌ی «...، متشکرم!» بکاهد و حتی میزان و دلایل سپاس خود را مشخص کند. جمله‌ی آغازین سخنرانی تحلیف اوباما در سال ۲۰۰۹ نمونه‌ی خوبی از این تواضع است که با تصویرسازی قدرتمندی نیز همراه شد. هرچند که با نگاهی به ده سخنرانی تحلیف پیشین مشخص می‌شود که تشکر از رؤسای جمهور پیشین و مردم آمریکا رسمی ثابت و معمول نبوده است.

با این حال باید اقرار کرد که ترامپ در سخنرانی مراسم تحلیف، مقاصد و اهداف ریاست آمریکا را بهتر از همتای پیشین خود مشخص کرد. ترامپ در همان جملات آغازین به صراحت اظهار کرد که قصدش بازسازی آمریکا و تحقق وعده رویای آمریکایی برای تمام مردمش است - که البته باز هم با ادعاهای سابقش مبنی بر اخراج مهاجران غیرقانونی همخوانی ندارد - و به قول خود می‌خواهد «قدرت را از واشنگتن به مردم» بازگرداند.

بهرحال در مقایسه با سخنرانی‌های رؤسای جمهور پیشین آمریکا، می‌توان بدون جانبداری و تعصب شخصی گفت که ترامپ نه تنها با آغازی ساده، فرصت تاثیرگذاری اولیه را از خود گرفت، بلکه ایرادهای معنایی و دروغ‌هایش در همان دو جمله‌ی اول باعث تعجب بسیاری گردید و از لحاظ دیگری خاطره‌انگیز شد.

۲-۷. بدنه‌ی متن سخنرانی

هرچند ترامپ در اواسط سخنرانی خود دوباره با گفتن این که برتری خفیف یا نامحسوس‌اش را «دنیا تا به حال به چشم خود ندیده است»، روحیه‌ی مغرور خود را به نمایش گذاشت، ولی می‌توان گفت که در سایر سطور متن خود بر هدف خود متمرکز ماند. در طول کمپین، بارها دیدیم که وی جمله‌هایش را قطع می‌کند تا نکته یا داستان بی‌ربطی را بیان کند که با ذکر کلمه‌ای یا رخ دادن اتفاقی در جمعیت به ذهنش خطور کرده است اما هر زمان که اقدام به خواندن متن از روی نمایشگر تله‌پرامپتر (یا همان اتو کیو) می‌کند، دیگر از متن خارج نمی‌شود.

همچنین از دیگر فواید استفاده از این دستگاه برای ترامپ آن بوده است که به کمک آن توانست سخنانش را طوری کنار هم قرار دهد که از نظر ترتیب منطقی و زیبایی‌شناختی بهتر (و نه عالی) به نظر برسند. با این حال، داستان تعریف کردن‌های او، هرچند زیبا و اثرگذار برای مخاطب عام، طبق معمول از حقایق منطقی و آمار مورد قبول تبعیت نمی‌کنند؛ و تعجب‌برانگیز هم نیست، چرا که به گزارش مجله «روانشناسی امروز»، تصویربرداری به روش «اف ام آر آی» از مغز نشان داده است که «خریداران به‌هنگام مقایسه اجناس، از احساسات (احساسات شخصی یا تجربه‌ها) بیشتر استفاده می‌کنند تا اطلاعات (کیفیت، ویژگی‌ها و حقایق اجناس)». (Murray, 2013). تلویزیون آمریکا، چهره‌ی در هم‌رفته‌ی باراک اوباما را در همان لحظاتی نشان داد که ترامپ از «قتل‌عام آمریکایی» و خرابه‌ای که به بار آورده، سخن می‌گفت. حقیقت این است که آمار آن جنایت‌هایی که ترامپ بدون ارائه‌ی سند برای ترساندن مخاطب خود از آن سخن می‌گفت، در کم‌ترین میزان خود از دهه ۱۹۶۰ تاکنون بوده است. البته ترامپ بارها در طول کمپین خود به این موضوع اشاره کرد و عموماً برای حرف خود، سند قابل‌قبولی هم دارد اما همیشه از ذکر جزئیات و اعداد دقیق خودداری کرده است. به‌عنوان مثال وی

به مقاله‌ای در روزنامه «نیویورک تایمز» اشاره کرد که از رشد هفده درصدی آمار قتل‌ها در شهر دالاس در طی سال میلادی گذشته سخن می‌گفت اما اشاره نکرد که این رشد تنها دوازده فقره قتل را شامل می‌شود چرا که تعداد کل قتل‌ها در شهر دالاس در آن سال فقط ۱۱۶ عدد بود که از پایین‌ترین ارقام خود از سال ۱۹۳۰ به‌شمار می‌رود. (Robertson, 2016). همان‌طور که ذکر شد، یکی از بارزترین نکات سخنرانی ترامپ جو بسیار تاریکی بود که بر کشور حاکم کرد. شاید بهترین سند برای این ادعایستی از سی کلمه‌ای باشد که ترامپ برای اولین بار در طول سخنرانی‌های تحلیف رؤسای جمهور آمریکا بر زبان راند: «خون‌ریزی، قتل‌عام، تخلیه، مخالفت‌ها، خرابی، مملو، زیربنا، اسلامی، بانو، منظره، آن‌سوی دریاها، کنده‌شده، زنگ‌زده، غمگین، وحدت، علف‌هرز، دزدیدن، دزدیده‌شده، کمک‌هزینه دادن، سنگ‌قبرها، در تله‌افتاده، تریلیون، تونل، محقق‌نشده، غیرقابل توقف، شهری، بادگیر» (Bandler, 2017)

با این حال، ترامپ نیز مانند اکثر رؤسای جمهور پیشین به مسیحیت و انجیل هم اشاره‌ای داشت: «انجیل برای ما می‌گوید که چقدر خوب و دلنشین است وقتی مردم خدا در وحدت با یکدیگر زندگی می‌کنند». جدا از اینکه سخنرانی‌های سابق ترامپ معمولاً اثری از انجیل در خود نداشتند، عبارات بعدی آن جمله در این کتاب به‌خصوص نیز شاید حائز اهمیت باشند. در آیه ۱۳۳ کتاب مزامیر در عهد عتیق از مسح شدن هارون برای تقدیس و انتخاب او به‌عنوان کاهن سخن می‌رود که شاید تلویحا اشاره‌ای به انتخاب خود دونالد ترامپ به‌وسیله مردم آمریکا نیز باشد. با این حال، جالب بود که تنها اشاره‌ی مستقیم به یک دین الهی دارای بار منفی و تهاجمی شدیدی بود: «... ما جهان متمدن را علیه تروریسم افراطی اسلامی متحد خواهیم کرد و آن را از صحنه‌ی روزگار محو خواهیم ساخت». در مقابل، باراک اوباما در سخنرانی تحلیف خود در سال ۲۰۰۹ از ترکیب واژگانی تاثیرگذار «میراث چهل‌تکه» برای نشان دادن ذات مهاجرپذیر آمریکا سخن گفت و آن را «یک قدرت و نه یک ضعف» شناخت. وی حتی پس از نام بردن از پیروان چهار دین مسیحیت، اسلام، یهودیت و هندو تا آنجا پیش رفت که برای اولین بار در این مراسم، «خداناباوران» را نیز جزئی از ملت آمریکا دانست؛ اما ترامپ با اشارات متعدد به انجیل در سخنرانی خود، به‌نظر منحصرا برای اوانجلیک‌هایی که به او رای داده

بودند، صحبت می‌کرد. (Bailey, 2017) همچنین، علی‌رغم اجتناب ترامپ از بکار بردن ضمیر اول شخص مفرد و داشتن لحن خودمحرورانه، وی دوازده مرتبه بیشتر از سخنرانی باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ از ترکیب «ما خواهیم ...» و «ما ... هستیم» استفاده کرد. البته این به‌خودی خود چیزی را نمی‌رساند، اما وقتی تعداد جملات سخنرانی ترامپ نصف تعداد جملات سخنرانی اوباما باشد، می‌توان به این نتیجه رسید که ترامپ از قدرت زبانی و تنوع واژگانی خوبی برای بیان سخنان خود برخوردار نیست. البته شاید بتوان آن را به حساب تلاش او برای همه‌فهم‌سازی سخنرانی خود دانست ولی زبان انگلیسی برای معادل‌سازی علاوه بر ترکیب‌های رسمی و سخت‌فهم، می‌تواند از بسیاری از ترکیب‌های دیگر نیز استفاده کند که به‌همان مقدار ساده و همه‌فهم هستند. همچنین باید در نظر داشته باشیم که مخاطب هر دو سخنور، به هر حال مردمی می‌باشند که زبان رسمی آن‌ها انگلیسی است و ساده‌سازی بیش از حد، نه‌تنها به مجذوب کردن آن‌ها کمک نمی‌کند، بلکه بعد از مدتی، خسته‌کننده و آزاردهنده نیز می‌شود.

افرادی که مناظره‌ها و سخنرانی‌های ترامپ را در طول کمپین انتخاباتی او دنبال می‌کردند، از منظر دیگری نیز با نحوه استفاده عجیب او از زبان آشنا هستند. به‌قول یک ویدئوبلاگر معروف «ترامپ مثل یک فروشنده خوب، استعدادی ذاتی برای فروختن یک احساس دارد» (Nerdwriter1, 2015). به‌عبارت دیگر، موضوع صحبت آن‌چنان مهم نیست، بلکه مخاطب آن مهم است. ترامپ چون بازی سیاست را به خوبی بلد نیست، سعی می‌کند تا از ترکیبات سیاستمداران‌ه‌ی کلمات برای انتساب یا عدم‌انتساب شخص خود با اتفاق یا ایده‌ای دوری کند. برای مثال، یک سیاستمدار کارکشته در مواجهه با سوالات سخت می‌تواند رو به مبهم‌گویی، تغییر موضوع، حمله متقابل یا افعال مجهول بیاورد و نام خود را از اذهان خارج کند. اما ترامپ همچون فروشنده‌های قهار از این تکنیک‌ها به‌شیوه‌ای ساده‌تر استفاده می‌کند. سخنرانی‌های او تا پیش از این پر از افعال دستوری («نگاه کنید هفته پیش در کالیفرنیا چه اتفاقی افتاد»، بیان داستان‌های کوتاه ساختگی برای تقویت موضع خود («به من زنگ زدند و گفتند: دونالد تو درست می‌گفتی»)) و تکرار مداوم کلمات تأثیرگذار («ما دیگه نمی‌بریم. ما نمی‌بریم! ما هیچی را نمی‌بریم! ما تجارت را نمی‌بریم! ما نظامی‌گری را نمی‌بریم! ...») بوده است. اما او اکثر

این عادت‌های خود را در سخنرانی تحلیف کاملاً حذف کرده است. شاید بتوان گفت که دیگر چیزی برای فروختن وجود ندارد و او به آن پیروزی و بردی که دوست داشته بود، رسیده است. با یک مقایسه ساده می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از بخش‌های مهم الگوی سخنرانی تحلیف رؤسای جمهور آمریکا، نام بردن از شهرها یا ایالت‌های آمریکا است. این بخش از سخنرانی همیشه به‌نظر به سخنران تحمیل می‌شود. اما وظیفه‌ی مهم آن ایجاد احساس همدلی و سپاس نسبت به دورترین و معمولاً فراموش‌شده‌ترین نقاط آمریکاست. با این حال، بعضاً دیده می‌شود که برخی از رؤسای جمهور به‌جای ملاحظات مسافتی، شهرهایی را انتخاب می‌کنند که از نظر تاریخی برای آمریکا اهمیت دارند. سخنرانی سال ۲۰۰۹ باراک اوباما نمونه‌ای از چنین سخنرانی‌هایی است که در آن به جنگ‌های تاریخی «کانکورد، گتیسبورگ، نورماندی و خه‌سان» اشاره کرد. با این حال، ترامپ ترجیح داد تا شهر دیترویت و ایالت نبراسکا، واقع در قلب آمریکا را انتخاب کند. دلیل انتخاب این دو اسم، نه به‌دلیل اهمیت تاریخی یا مکانی، بلکه به‌علت آمار بالای بزهکاری در شهر دیترویت و شاعرانه بودن عبارت «دشت‌های بادگیر نبراسکا» بوده است. همچنین قطعاً با توجه به سابقه‌ی سخنرانی‌های دونالد ترامپ، می‌توان به اهمیت زبانی این دو اسم نیز اشاره کرد. دیترویت تنها دو سیلاب (بخش) و نبراسکا سه سیلاب ساده دارند. در مقابل اسامی مورد استفاده‌ی اوباما، علاوه بر تلفظ سخت و حتی خارجی آن‌ها، به‌ترتیب از دو، سه، سه و دو سیلاب تشکیل شده‌اند.

سایت «بوستون گلوب» پیش از برگزاری انتخابات در گزارشی ادعا کرده بود که براساس آزمون «فلش کینکید»، میزان «خوانایی متن» مناظره‌های ترامپ در حد سواد کلاس چهارم آمریکا است. در همان گزارش ذکر شده است که گیل‌مور و هاکابی از بین نامزدهای جمهوری خواه و سنדרز از بین نامزدهای دموکرات در بالاترین سطح قرار دارند و متون مناظره آن‌ها برای سطح دانش زبان انگلیسی افراد زیر کلاس دهم نوشته شده است. (Viser, 2015). اما حال که از همان فرمول و فرمول‌های مشابه مثل «گانینگ فاگ»، «کلن-لیاو»، «اس ام اُ جی» و «شاخص خودکار خوانایی» استفاده می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که سطح خوانایی متن تحلیف ترامپ در همان سطح خوانایی متن تحلیف اوباما -سیاستمداری با تحصیلات بالاتر- قرار دارد و برای دانش‌آموزان کلاس

هشتم یا نهم باید قابل فهم باشد (Free Text Readability, n.d.). نتیجه‌ی مهمی که از این تشابه می‌توان گرفت این است که شرایط مراسم تحلیف و مخاطبان آن ایجاب می‌کند که همه‌ی رؤسای جمهور میزان سختی کلمات و جملات خود را برای افراد دارای تحصیلات پایین‌تر از دبیرستان تنظیم کنند.

ترامپ را همچنین می‌توان از نمونه‌های بارز مبهم‌گویی در هنگام دادن وعده‌ها دانست. از سنت‌های سخنرانی مراسم تحلیف این است که مردم عادی با ادای هر جمله‌ی مهم و تعیین‌کننده‌ای شروع به تشویق می‌کنند و تشویق‌های آنان را عموماً می‌شود به‌عنوان پایان یک پاراگراف در متن در نظر گرفت چرا که زبان انگلیسی از این قابلیت برخوردار است که مهم‌ترین بخش هر جمله (مثل «پانچ لاین» یک لطیفه) را در پایان آن جمله بنشانند. بنابراین، نویسندگان حرفه‌ای متون سخنرانی که از این نکته آگاه هستند، معمولاً مقدمه‌چینی‌های خود را از نظر برانگیختن احساسات در شنونده ضعیف‌تر از جمله‌ی پایانی پاراگراف می‌نویسند. به‌همین دلیل در سخنرانی او با تشویق‌ها با فواصل حدوداً یک دقیقه‌ای انجام شد اما ترامپ این مقدار را در اواسط متن سخنرانی خود (و نه اواخر آن) بارها به کمتر از هفت ثانیه رساند. این نشان‌دهنده‌ی تلاشی عامدانه برای آشکار نکردن وعده‌های مهمی است که تحریک احساسات مردم را در پی دارند. برای مثال اصلاً مشخص نیست که چگونه دقیقاً «مردان و زنان فراموش شده‌ی کشور دیگر فراموش شده نخواهند بود» یا «آمریکا دوباره شروع به پیروز شدن خواهد کرد، پیروز شدنی تکرارنشده‌ی». یا حتی جمله‌ی نسبتاً مشخص‌تر «ما از دو قانون ساده تبعیت خواهیم کرد: آمریکایی بخرید و آمریکایی استخدام کنید» محقق خواهند شد، هرچند که همگی به‌سبب جنس غرورآمیز خود از به‌یادماندنی‌ترین جملات این سخنرانی برای آمریکایی‌ها بودند. بدترین قسمت این مبهم‌گویی‌ها آن است که شاید عمل به آن‌ها کاملاً متفاوت با چیزی که انتظار دارید از آب دربیاید.

۳-۷. انتهای متن سخنرانی

اغلب تعیین نقطه شروع خاتمه‌ی یک سخنرانی سخت است، اما به‌نظر می‌رسد که جمع‌بندی دقیقاً یک دقیقه‌ای دونالد ترامپ نیز با عبارت «پس به آمریکایی‌ها ... می‌گویم که دیگر فراموش نخواهید شد» شروع می‌شود، چرا که ساده‌ترین و معروف‌ترین تکنیک

جمع‌بندی یعنی تکرار دوباره سخنان ابتدایی را شاهد هستیم. همچنین این قسمت از متن، دوباره پر از شعارهای مبهم یک‌جمله‌ای است ولی به دلیل جنس سیاسی سخنرانی مراسم تحلیف نمی‌توان ایرادی به آن وارد کرد.

از نکات جالب قسمت جمع‌بندی این است که این بخش جزو دقایق انگشت‌شماری بود که یک آرایه‌ی ادبی به صورتی واضح به کار رفته است: ترامپ در جمله‌ی «با هم، ما آمریکا را بار دیگر قدرتمند خواهیم کرد؛ ما آمریکا را بار دیگر ثروتمند خواهیم کرد؛...» از آرایه ادبی آنافورا استفاده کرده است. به نظر، اولین بار این آرایه در انجیل به چشم خورده است اما آبراهام لینکلن (با جمله‌ی «با کینه‌توزی نسبت به هیچ‌کس؛ با نیکوکاری نسبت به همه؛ با استواری بر حق؛...») و مارتین لوتر کینگ (با جمله‌ی «پس بگذارید زنگ آزادی از فراز تپه‌های شگرف نیوهمشایر به صدا درآید؛ بگذارید زنگ آزادی از کوه‌های بلند نیویورک به صدا درآید؛...») از معروف‌ترین سیاستمداران بوده‌اند که از این آرایه‌ی ادبی تاثیرگذار استفاده کرده‌اند. جای تعجب نداشت که ترامپ یا هر فرد دیگری سعی کند تا سطحی‌ترین تقلیدهای ممکن را از سخنرانی‌های افراد سخنوری چون دکتر کینگ در مراسمی این‌چنینی داشته باشد.

مقایسه‌ی جمع‌بندی سخنرانی ترامپ با جمع‌بندی سخنرانی سال ۲۰۰۹ او‌باما نشان می‌دهد که او‌باما در مدت زمانی طولانی‌تر به روایت یک داستان غرورآمیز از مقاومت سربازان جورج واشنگتن و سخنرانی او در سال تأسیس آمریکا پرداخت که رویکردی بدیع‌تر بود. البته یکی از دلایل استفاده از آن نقل‌قول به‌خصوص این بود که کتاب نویسنده‌ی آن یعنی توماس پین، به‌اختصار به «بحران» معروف بود و بحران کلمه‌ای بود که چهار بار در طول سخنرانی تحلیف او‌باما در سال ۲۰۰۹ تکرار شد و از این نظر دارای بار معنایی خاص و قابل تاملی است. جالب‌تر آن که کلمه‌ی «امید» که با نام او‌باما عجین شده است، تنها سه بار در طول آن سخنرانی ذکر شد (Greene, 2009). البته ترامپ نیز شش بار از کلمه‌ی مشهور خود، «عالی» استفاده کرد اما از آنجا که این کلمه نه یک اسم، بلکه یک صفت است، شاید بتوان استفاده‌ی مکرر آن را تا حدی به پای گنجینه‌ی واژگانی محدود ترامپ نوشت.

۴-۷. سخنرانی‌های صد روز اول ریاست جمهوری

چنان که بیان شد، ترامپ را می‌توان با قاطعیت آشکار در کلامش شناخت. اما سخنرانی فردای مراسم تحلیف در سازمان سیا از معدود دفعاتی بود که قدرت بیان وی به دلایل مختلفی به مرور تحلیل رفت. اوج درگیری‌های ذهنی ترامپ آنجایی پدیدار شد که از متن خارج شده و گفت «مایک پامپئو [قطعا، شاید، می‌دانید، از جنبه‌های خاصی، حتی می‌توانید بگویید که مهم‌ترین فرد من است]». پیش از این آنچنان سابقه نداشت که ترامپ از تکنیک زبانی اکراه برای تصحیح سخنان خود و طفره رفتن از قاطعیت در کلام استفاده کند. هرچند این حالت در کلام عامیانه بسیار رخ می‌دهد، اما برای یک سیاستمدار، حتی اگر ترامپ باشد، همیشه نشانه‌ی ضعف خواهد بود. به‌رحال اگر از زاویه دیگری به این قضیه نگاه کنیم، این سخنرانی به‌خصوص به این دلیل که دقیقاً در روز اول ریاست جمهوری ترامپ ایراد شد، بیشترین شباهت را به شخصیت واقعی ترامپ دارد که نه نیاز به رقابت با کسی احساس می‌کند و نه هنوز از مشاورهای متخصص در سخنوری حاضر در کاخ سفید آموزشی دیده است.

ترامپ عادت دارد که حقایق را دستکاری کند تا پیش چشم ناآگاهان، مقبول‌تر به‌نظر برسد. برای مثال، وی در همان مراسم بازدید از مقر سازمان سیا اینطور گفت که «من همیشه بهشون میگم رسانه‌های دغل‌باز، ولی دیروز با من خوب رفتار کردند». در حالی که شاهد بودیم که در روزهای پس از آن چگونه بر سر تعداد حضار مراسم و سیاه‌نمایی‌های سخنرانی خود با رسانه‌ها درگیر شد.

ترامپ از دروغ گفتن ابایی ندارد، ولی جنس دروغ‌گویی‌های او با سایر سیاستمداران متفاوت است. ترامپ حتی ظاهراً بی‌هیچ هدف خاصی در مورد بارانی بودن هوای مراسم تحلیف هم در کمتر از چند ساعت دروغ می‌گوید، در حالی که دروغ‌هایی که کارل روو، مشاور جرج بوش پسر برایش طراحی کرد، دروغ‌های کوچک بسیاری بودند که همگی هم‌جهت با دروغ بزرگتری بودند. اما تونی شوارتز که کتاب «ترامپ: هنر معامله» را به‌زبان ترامپ و به نام ترامپ نوشت، نظر دیگری دارد. شوارتز پس از ماه‌ها هم‌صحبتی با وی می‌گوید که «ترامپ استراتژیک دروغ می‌گوید» و «بی‌علاقگی ترامپ

به حقیقت مزیت عجیبی به او می‌دهد» (Mayer, 2016). برای حل این معما، ندرسنیکوف، سردبیر سایت «تینک پراگرس» چنین تحلیل می‌کند که دروغ‌گویی‌های ترامپ نقشه‌ای است که استیو بنون با الهام‌گیری از تجربه ولادیسلاو سورکوف چینی‌الاصل طراحی کرده است. در این طرح ساده اما تأثیرگذار، آنقدر حجم دروغ‌گویی‌ها و اخبار دروغ برای مردم زیاد می‌شود که قدرت تشخیص راست‌ترین خبرها را هم از دست می‌دهند. شخص ترامپ نیز «با استفاده از تکنیک‌های زبانی «آیرونی یا مطایبه»، تناقض‌گویی و البته ادعاهای احمقانه، طرفدارانش را درگیر این بازی کرده است. اگر همه چیز دروغ باشد، پس مردی که دروغ‌هایش را واضح می‌گوید، خود نوع عجیبی از صداقت را به نمایش می‌گذارد» (Resnikoff, 2016).

ترامپ نماد فردی است که در خلوت و در میان جمع رفتارهای گوناگونی از خود بروز می‌دهد. بنابراین، دیدگاه ترامپ به مسائل اخلاقی، تا حدی منفعت‌گرایانه است و اگر باعث بروز تناقضاتی شود - تا زمانی که تأثیر خود را بر اکثریت حضار در لحظه گذاشته باشد و خوشی آن‌ها را حداکثر کرده باشد - اهمیتی ندارد. به‌طور مثال، با این‌که اخبار نادیده گرفتن گزارش‌های سازمان‌های اطلاعاتی از سوی او در همان ماه اول به بیرون درز پیدا کرد، وی بی‌پروا در میان کارکنان سازمان سیا به آن‌ها می‌گوید که «هیچ فردی بیشتر از دونالد ترامپ برای جامعه اطلاعاتی و سیا احترام قائل نیست، هیچ فردی».

ترامپ همچنین کوچک‌ترین ابایی از ساختن آمار ندارد. اما این کار را به‌صورت گنگ و اغراق‌آمیز انجام می‌دهد. به‌طور مثال به‌فاصله چند ساعت پس از اعلام نتایج چنین می‌گوید که «نظامیان درصد بسیار بالایی از رأی‌دهندگان من را شامل می‌شدند». مطمئناً با این حجم از خبرسازی و دروغ‌هایی که ترامپ روزانه تولید می‌کند، نه هیچ‌کس فرصت می‌کند تا با او بر سر این آمارهای جزئی مباحثه کند و نه حضار او حوصله دوباره گوش دادن به تفاسیر سخنرانی ترامپ را دارند. ولی این سخنان تأثیرشان را همان لحظه در ناخودآگاه شنوندگان گذاشته‌اند.

از تکنیک‌های دیگر سخنرانی‌های ترامپ ایجاد حواس‌پرتی در میان رگباری از تکرارهاست. بدین صورت که با اشاره کردن به یکی از حضار و درگیر کردن ذهن سایر حضار به این موضوع فرعی (و اغلب بی‌اهمیت) و احتمالاً طنزآلود کردن آن، فرصت

تحلیل سخنان پیشین را از آن‌ها می‌گیرد. عمدتاً سخنان پیشین وی نیز ادعاهایی بوده است که مکرراً به باورهای حضار نسبت داده شده‌اند. به این مثال دقت کنید که چگونه سه تکنیک تکرار کردن، نسبت دادن و حواس‌پرتی ایجاد کردن در سخنرانی سازمان سیا با هم به‌کار رفته‌اند: «... چون همه ما روی یک طول موج هستیم [مثل هم فکر می‌کنیم]، رفقا. همه ما روی یک طول موج هستیم. باشه؟ (به حضار اشاره می‌کند) او می‌دونه. سی ثانیه طول کشید تا براین این قضیه رو تشخیص بده، مگه نه؟ چون ما می‌دونیم. ما روی یک طول موج هستیم».

برخی ممکن است فکر کنند که تکرار عین صحبت‌های قبلی برای یک سیاستمدار چندان جالب نیست و ضعف او محسوب می‌شود. اما ترامپ ظاهراً ذهنش را با این افکار درگیر نمی‌کند. چرا که می‌بینیم اندکی بعد می‌گوید «ما باید از شر داعش خلاص شویم. ما باید از شر داعش خلاص شویم. ... این شیطانی است. این شیطانی است.» اتفاقاً اضافه نکردن اطلاعات جدید، فرصت فهم بهتر و جا افتادن مطلب در ذهن شنوندگانی را فراهم می‌آورد که علاقه یا دانش چندانی برای دنبال کردن یک سخنرانی ثقیل ندارند. برای همین است که تبلیغات تلویزیونی آنقدر عبارات ساده‌ی گیرا را تکرار می‌کنند که در ناخودآگاه بینندگان و شنوندگان صفت‌های معرفی شده با محصولات آن‌ها ارتباط پیدا کند. بنابراین تعجب‌آور نیست که ترامپ، این روش‌شنده‌ی کار بلد از این تکنیک ساده ولی قدرتمند تا حد امکان استفاده کند.

علی‌رغم استفاده برنامه‌ریزی شده‌ی ترامپ از تکرار عبارات، وی به‌خوبی می‌داند که چه زمانی در دام استفاده‌ی غلط از حربه‌ی خود گرفتار نشود. برای مثال در ابتدای مراسم صبحانه دعای ملی و به‌هنگام تشکر از میزبان‌ها و سخنرانان قبلی ترامپ چنین گفت که «... رُما داوونی کجاست؟ صدای یک فرشته. او صدای یک فرشته را ... هر دفعه که صدای او را می‌شنوم بسیار زیباست.» در این مورد، ترامپ ظاهراً متوجه شد که استفاده از آرایه‌ی ادبی «صدای فرشته» شاید برای همه‌ی شنوندگان او قابل فهم نباشد (هرچند که در حال سخنرانی در یک مراسم دعا بود!) و بنابراین تصمیم گرفت که قائله را با کلمه ساده‌تر «زیبا» ختم به‌خیر کند. نکته مهمی که می‌توان در اینجا دریافت این است که حداقل نمی‌توان گفت ناتمام گذاشتن جمله‌های ترامپ همگی نشان از

ضعف‌های او دارند. وی اتفاقاً همواره سعی دارد که اصول سادگی، تاثیرگذاری و پایان دادن جمله با کلمات کوبنده را رعایت کند. از تاکتیک‌های زبانی معروف دیگر ترامپ این است که حرفی را در دهان شما می‌گذارد و سپس به آن پاسخ می‌دهد و بعضاً برای تاکید بیشتر از عبارتهایی مثل «و همه ما هم این را می‌دانیم» استفاده می‌کند. نوع دیگری از این عمل - که رگه‌هایی از تاکتیک‌های پیشین را نیز دارد - با پرسیدن سوالی از یکی از کارمندان عالی‌رتبه و یا وزیران خود به نمایش گذاشته می‌شود. به‌طور مثال وقتی در بین کارمندان سیا از رئیس جدید آن‌ها می‌پرسد «فکر کنم می‌تونم رکورد حضور بر روی جلد مجله تایمز را بشکنم، مگه نه، مایک؟ موافقی؟ تو چی فکر می‌کنی؟» با استفاده از غافلگیری و خجالت‌زده کردن مهره زبردست ولی کلیدی خود، می‌تواند موافقت وی و افراد تحت فرمانش را برای لحظه‌ای به‌دست آورد.

یکی از تکنیک‌های اثرگذاری که ترامپ استفاده می‌کند، گرفتن تشویق مشتاقانه از حضار با نام بردن از فردی است که از نظر عاطفی یا حرفه‌ای به مردم نزدیک باشد. شکی نیست که حتی اگر حضار با سخنان ترامپ موافق نباشند و تشویق‌ها را (طبق گزارش‌های رسانه‌های مخالف) به کارمندان خود ترامپ واگذار کنند، چنانچه ترامپ بگوید «دستت رو ببر بالا، مایک (فلین). چه آدم خوبی!»، قطعاً زبردستان و اطرافیان فلین، وی را با اشتیاق تشویق خواهند کرد. همین که قبح عمل دست زدن برای حضار ناراضی ریخته شد، ترامپ آن‌ها را ناخودآگاه نرم‌تر کرده است تا نسبت به سخنان متعادل‌تر او نیز تشویق هرچند ضعیفی انجام دهند. از همین روست که ترامپ این تکنیک را معمولاً یک‌بار در آغاز سخنان و یک یا چند بار در میانه نطق خود به‌کار می‌برد.

خودمانی و عامیانه بودن او نیز برایش نقطه مثبتی حساب می‌شود، اما، مطابق انتظار، بدون عواقب منفی نخواهد بود. سیاستمداران حرفه‌ای شاید به اقتضای نوع و قشر حضار از کلماتی با درجه رسمیت متفاوتی استفاده کنند اما ترامپ عموماً هدفش را بر کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای صمیمیت حتی در بین جدی‌ترین افراد می‌گذارد. چنان‌که می‌بینیم در بین افسران و اعضای عالی‌رتبه‌ی سیا خیلی راحت می‌گوید «... وزیر فلان، وزیر بهمان ...» یا از عبارت شمارشی عامیانه «... پنج، شش، هفت، هشت نفر ...» استفاده

می‌کند. درسی که ترامپ به ما می‌دهد این است که حضار ما علاوه بر زندگی اجتماعی، یک زندگی فردی نیز دارند که احتمالاً عبارات عامیانه و صمیمانه‌ی بسیاری در آن به کار می‌برند. شاید خالی از لطف نباشد اگر در هر سخنرانی گریزی به چنین فضاهایی زده شود تا احساس نزدیکی را به شنونده القا کرد.

میزان وفاداری ترامپ به متون سخنرانی و وسیله تله‌پرامپتر - که آن را فقط برای سخنران به حرکت درمی‌آورد - نیز درس‌های قابل توجهی برای سیاستمداران دارد. نمایشگرهای شفاف مدل به اصطلاح «رئیس‌جمهوری» این دستگاه‌ها در سمت چپ و راست سالن طوری تعبیه می‌شوند که سخنران بتواند سرش را به راحتی و به طرز قابل باوری بچرخاند و برای حضار نیز متن آن قابل مشاهده نباشد. محبوبیت این دستگاه‌ها به حدی است که احتمالاً هر سخنران و گوینده‌ای که تا به حال دیده‌اید، از این دستگاه استفاده کرده است. اما ترامپ با شکستن صفحه یکی از نمایشگرها در کمپین انتخاباتی خود در اکتبر ۲۰۱۶، قدم دیگری در راستای مأموریت متمایزسازی خود از رقبای اتوکشیده‌ی جمهوری‌خواه و حتی دمکرات برداشت و در قلب هوادارانش بیشتر جا باز کرد. حتی در سخنرانی‌های دوران ریاست جمهوری نیز، وی تا جایی که امکان داشت یا از تله‌پرامپتر استفاده نکرد و یا در بعضی لحظات از متن آن خارج شد تا شوخی یا جمله ظاهراً کنترل‌نشده‌ای را بر زبان آورد. این رفتارهای ترامپ، توافق ضمنی‌ای که بین سخنران و شنونده مبنی بر نادیده گرفتن حضور تله‌پرامپتر وجود داشت را زیر پا گذاشت و در نتیجه در مخاطبان این حس را به وجود آورد که سخنان او طبیعی و از صمیم قلب هستند. (Davis, 2017) وی حتی برای تاثیرگذاری بیشتر، بارها کلمات غیر رسمی معمول خود را در قالب جملات معترضه کوتاه یا بلند در متن سخنرانی خود گنجانده است تا ما را چنین متقاعد کند که حداقل این متون به دست خودش نوشته شده‌اند؛ برای مثال در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۷ در مراسم سوگند یاد کردن ژنرال ماتیس گفت «... و همزمان که در حال آماده کردن درخواست بودجه خود از کنگره هستیم - فکر می‌کنم کنگره خیلی از دیدنش خوشحال بشه - قدرت نظامی ما توسط هیچ‌کس زیر سوال نخواهد رفت ...».

یکی از نکات بارز سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ترامپ این است که جملات وی به طرز غیرعادی پر از صفت‌های تفضیلی و به خصوص صفت‌های عالی است و هرچه دستش

بازتر باشد، بیشتر از آن‌ها استفاده می‌کند. به این مثال از توصیف ترامپ در مراسم صبحانه دعای ملی از خانواده یکی از کشته شدگان در جنگ دقت کنید: «... خیلی خیلی غم‌انگیز، اما خیلی خیلی زیبا، خیلی خیلی زیبا. خانواده‌اش آنجا بود، خانواده‌ای بی‌نظیر، بسیار دوستش داشتند، بسیار ضربه‌خورده بودند. او خیلی ضربه‌خورده بود، اما مراسم عالی بود.» مسلماً اگر استعمال افراطی صفت‌های عالی جزء نقشه‌های دونالد ترامپ نباشد، حداقل برخاسته از سبک زندگی اوست. زندگی مدرن اکثر ما از اغراق و هیجانات مصنوعی بیش از حد رنج می‌برد و هیجان مصنوعی ترامپ نیز برای چنین شنوندگانی جذاب به نظر می‌رسد. اما نگرانی‌هایی وجود دارد که این استفاده نابجا از صفات تفضیلی برای سیاست خارجی ترامپ در دسترس‌ساز شود. شنیده‌ها حاکی از آن است که یکی از نخست‌وزیرانی که با ترامپ دیدار کرد و با رگبار چنین صفت‌هایی از طرف ترامپ در توصیف ملاقاتشان مواجه شد، بیم خود را به‌ویژه از بالا رفتن انتظارات مردم دنیا پس از شنیدن جملاتی چون «من دارم روی بهترین معامله صلح برای خاورمیانه کار می‌کنم» بیان کرد (Pruden, 2017).

مسئله هوش ترامپ، مانند تعداد حاضران مراسم تحلیف او، از دیگر مسائلی است که اگر خود وی این قدر به آن نپردازد، چندان برای مردم کشورش و دنیا اهمیت نخواهد داشت. اما جملاتی مثل «به من اعتماد کنید. من مثل یک آدم باهوش هستم» و ۳۶۹ بار استفاده‌ی او از کلمه‌ی «باهوش» در توئیتهایش نشان می‌دهد که اعتماد به‌نفس کافی نسبت به هوش و دستاوردهای خود ندارد (Trump Twitter Archive, n.d.). حتی طبق تحقیقات گوندا بلیر که در سال ۲۰۰۱ در کتابی تحت عنوان «ترامپ‌ها» چاپ شد، ترامپ به‌دلیل ثروت پدرش و آشنایی با مسئولان دانشگاه وارتون بود که به مدرسه‌ی معروف تجارت آنجا منتقل شد اما این به‌هیچ‌عنوان جلوی ترامپ را نمی‌گیرد که در هر فرصتی از مدرسه تراز اول و نمرات درخشانش سخن بگوید، در حالی که صحت هر دوی این ادعاها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. (Dreier, 2017) به‌رحال هرچند به‌سبب گنجینه‌ی واژگان واقعا محدود، فراخنای توجه کوتاه، جهالت نسبت به جزئیات سیاست، بی‌علاقگی به شواهد علمی و نفرت (اعتراف‌شده) از خواندن نمی‌توان ترامپ را فردی دارای هوش سرشار خواند، اما قطعاً برای جلب اعتماد و سپس کلاهبرداری از پیش

غریزه‌ای قوی داشته یا حداقل آموزش‌های خوبی دیده است. بدین سبب، یادآوری برتری داشتن ترامپ توسط خودش به هر نحوی - که عمدتاً با عبارات تأکیدی «به من اعتماد کنید» یا «باور کنید» همراه می‌شود - به او اعتباری در ذهن حضار می‌بخشد تا سخنان بعدی وی را راحت‌تر بپذیرند.

نتیجه‌گیری

پوپولیس‌م ملی‌گرا در غرب و شرق دنیا در حال گسترش است و هرچه زودتر همه ابعاد این پدیده بالقوه خطرناک و پیچیدگی‌های آن برای مردم و نخبگان سیاسی آشکار شود، به نفع همه خواهد بود. بسیاری از نظریه‌پردازان سیاسی با مقایسه سطحی پوپولیس‌م با فاشیسم کار خود را راحت کرده و می‌گویند «چون پوپولیس‌م بر بنیاد ضدیت با تشکیلات سیاسی حاضر عمل می‌کند، اگر با پیروزی انتخاباتی یا نظامی، خود جزئی از تشکیلات حاضر شود، نمی‌تواند موفقیت حکومت مورد انتظارش را ببیند». اما یان ورنر مولر، استاد علوم سیاسی دانشگاه پرینستون آمریکا که کتابی به نام «پوپولیس‌م چیست؟» را در سال ۲۰۱۶ منتشر کرد، عقیده دارد که اتفاقاً چند حکومت پوپولیستی مثل حکومت ویکتور اربان در مجارستان یا اردوغان در ترکیه را می‌توان نام برد که برخلاف آن چه تصور می‌شد، در عمل از پس حکمرانی برآمدند چرا که مبنای نظری جدید حکومت خود را بر ضدتکنوکراسی و برخورد با هر صدای مخالفی (از دادگاه‌ها گرفته تا رسانه‌های خبری و جامعه مدنی) قرار دادند. این تغییر و چرخش در نظریه را در سخنرانی‌های ترامپ قبل و بعد از ریاست جمهوری نیز می‌توان مشاهده کرد. ترامپ زمانی که نامزد ریاست جمهوری بود، از چند تاکتیک روانشناسانه از جمله هراس‌افکنی، معرفی خود به عنوان تنها منجی و رهبر ذاتی، تفکر همه-یا-هیچ، گرفتار کردن رقبای انتخاباتی در «بن‌بست‌های دوسویه» و غیره استفاده کرد که به‌طور مفصل در کتاب‌ها و مقالات گوناگون به آن‌ها پرداخته شده است. اما در همان اوایل ریاست جمهوری وی، شاهد تغییر در زبان و گفتمان ترامپ و نزدیکان وی هستیم. در نتیجه، تلاش این نوشته بر آن بود که تاکتیک‌های روانشناسانه و زبانی یک رهبر پوپولیست (یا حداقل سابقاً پوپولیست) که حال بر مسند قدرت نشسته است را با دقت شدن در سخنرانی‌های مختلف وی آشکار سازیم.

رئیس جمهور ترامپ تکلیف خود را به خوبی انجام داده و مردم آمریکا را نیز به خوبی شناخته است، از این رو می‌تواند علاوه بر صحبت کردن درباره موضوعات دلخواه اکثریت آن‌ها، به نحو تأثیرگذاری نیز صحبت کند. شاید بتوان دلیل آن را در پیشینه فروشنده‌گی او دانست که ارزش و ارجحیت کار کردن بر روی مخاطب نسبت به محتوای موضوع مورد صحبت را به وی نشان داد. در نتیجه، ترامپ با قاطعیت برای شما بدون هیچ مکثی به‌طور مبهم صحبت می‌کند و دستان خود را آنقدر تکان می‌دهد تا نتوانید بیشتر از چند دقیقه یا حتی ثانیه، محتوای حرف‌های او را دنبال کنید. از طرف دیگر، از زمان شروع فرآیند طولانی کمپین انتخاباتی، ترامپ از کمک مشاورانی بهره گرفت که بعضاً اثرات آموزه‌های آن‌ها را می‌توان در جهت‌گیری‌های کلی سخنانش و بالا رفتن توانایی وی در سخنرانی برای سیاستمداران داخلی و خارجی مشاهده کرد؛ تا حدی که تفاوت‌های کمی اندکی بین سخنرانی مراسم تحلیف وی و سخنرانی مراسم تحلیف باراک اوباما یافت می‌شود. اگر عمر ریاست جمهوری ترامپ با رسوایی‌های بی‌شمارش کوتاه نشود، شاید بتوان درس‌های بیشتری نیز از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های زبانی و همچنین تجربیات وی در فهم روانشناسی توده‌ها کسب کرد.

منابع

- Bailey, S. P., January 2017, "Donald Trump's inaugural speech may be his most religious yet", Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/news/acts-of-faith/wp/2017/01/20/donald-trumps-inaugural-speech-may-be-his-most-religious-yet/>, Last visited: 3/18/2017
- Bandler, A., January 2017, "How Does Trump's Inaugural Speech Stack Up, By The Numbers?", Retrieved from <http://www.dailywire.com/news/12622/how-does-trumps-inaugural-speech-stack-numbers-aaron-bandler>, Last visited: 3/18/2017
- Davis, S., February 2017, "What the teleprompter tells us about truth, Trump and speech", Retrieved from <https://aeon.co/ideas/what-the-teleprompter-tells-us-about-truth-trump-and-speech>, Last visited: 7/12/2017
- Dreier, P., January 2017, "Another Trump Lie: 'I'm Smart'", Retrieved from <http://www.nationalmemo.com/another-trump-lie-im-smart/>, Last visited: 5/28/2017

- “Free Text Readability Consensus Calculator”, Retrieved from <http://www.readabilityformulas.com/free-readability-formula-tests.php>, Last visited: 3/19/2017
- “Gerald R. Ford's Remarks Upon Taking the Oath of Office as President”, Retrieved from <https://www.fordlibrarymuseum.gov/library/speeches/740001.asp>, Last visited: 3/21/2017
- Greene, R. A., January 2009, “Sober Obama speech draws on surprising sources”, Retrieved from <http://edition.cnn.com/2009/POLITICS/01/20/obama.speech.sources/>, Last visited: 3/18/2017
- “Inauguration of Donald Trump”, Wikipedia The Free Encyclopedia, Retrieved from https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Inauguration_of_Donald_Trump&oldid=792017784, Last visited: 3/15/2017
- Leith, S., January 2017, “Trump’s rhetoric: a triumph of inarticulacy”, Retrieved from <https://www.theguardian.com/us-news/2017/jan/13/donald-trumps-rhetoric-how-being-inarticulate-is-seen-as-authentic>, Last visited: 3/20/2017
- Mayer, J., July 2016, “Donald Trump’s Ghostwriter Tells All”, Retrieved from <http://www.newyorker.com/magazine/2016/07/25/donald-trumps-ghostwriter-tells-all>, Last visited: 5/28/2017
- Murray, P. N., February 2013, “How Emotions Influence What We Buy”, Retrieved from <https://www.psychologytoday.com/blog/inside-the-consumer-mind/201302/how-emotions-influence-what-we-buy>, Last visited: 3/20/2017
- Nerdwriter1, December 2015, “How Donald Trump Answers A Question” [Video file] Retrieved from https://www.youtube.com/watch?v=_aFo_BV-UzI&t=301s, Last visited: 3/19/2017
- Pruden, W., February 2017, “Trumpspeak, a language rich in adjectives”, Retrieved from <http://www.washingtontimes.com/news/2017/feb/23/donald-trumps-speech-features-superlatives/>, Last visited: 7/12/2017
- Resnikoff, N., November 2016, “Trump’s lies have a purpose. They are an assault on democracy.”, Retrieved from <https://thinkprogress.org/when-everything-is-a-lie-power-is-the-only-truth-1e641751d150>, Last visited: 5/28/2017
- Robertson, L., July 2016, “Dueling Claims on Crime Trend”, Retrieved from <http://www.factcheck.org/2016/07/dueling-claims-on-crime-trend/>, Last visited: 3/18/2017
- “The Inaugural Addresses of the Presidents”, Retrieved from http://avalon.law.yale.edu/subject_menus/inaug.asp, Last visited: 3/18/2017
- “Trump Twitter Archive”, Retrieved from <http://www.trumptwitterarchive.com/>, Last visited: 5/28/2017

“United States Presidential Inauguration”, Wikipedia The Free Encyclopedia,
Retrieved from
https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=United_States_presidential_inauguration&oldid=788341130, Last visited: 3/15/2017
Viser, M., October 2015, “For presidential hopefuls, simpler language resonates”, Retrieved from
<https://www.bostonglobe.com/news/politics/2015/10/20/donald-trump-and-ben-carson-speak-grade-school-level-that-today-voters-can-quickly-grasp/LUCBY6uwQAxILvVXbVTSUN/story.html>, Last visited: 3/19/2017

۱۳۵

سیاست جهانی

چهاراول و نمودارها با توجه به فضا و حاشیه صفحات طراحی شده باشند از حاشیه بیرون نزنند.

